

## وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده: هنرهای کاربردی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه هنر

عنوان:

**بررسی اندیشه‌های ژان فرانسوا لیوتار در حوزه‌ی هنرهای تجسمی**

استاد راهنما:

دکتر اسماعیل بنی اردلان

نگارش و تحقیق:

سمیه رشوند

مهر ماه ۱۳۹۰



با سپاس فراوان از

استاد ارجمند جناب آقای دکتر اسماعیل بنی اردلان که با راهنماییهای خود راهگشای اینجانب بودند و در مسیر این پژوهش فروتنانه مرا از دانش خویش بهره‌مند ساختند .

و تمامی اساتیدی که در طول مدت تحصیل، از دانش آنها بهره‌مند شدم.

## چکیده:

یکی از مباحثی که امروزه در حوزه‌ی فلسفه‌ی هنر شایان توجه است، کاوش در هویت و ماهیت هنرهای تجسمی و تفسیر و تحلیل آنها از جمله هنر نقاشی است. ژان فرانسوا لیوتار از فیلسوفانی است که هنرهای تجسمی به خصوص جریانهای هنری آوانگارد در اندیشه‌های او جایگاه ویژه‌ای دارد. وی آثار هنرمندانی چون مارسل دوشان و بارنت نیومن را نمونه‌هایی برای تبیین مفاهیم فلسفی خود قرار داده است. بزعم او برای تحلیل هنر آوانگارد باید از زیباییشناسی امر والا سود جست و در این میان اثر هنری مدرن و پست مدرن را جایگاه نمایش امر نمایشناپذیر میداند. او اذعان دارد که در نقاشیهای بارنت نیومن رخدادگی اثر اهمیت دارد و والایی ویژگی بارز آن است. از سوئی دگرگون/کننده‌های مارسل دوشان را نتیجه‌ی نمایش امرناتسانی میداند که بازیهای زبانی مستقر را به چالش میکشد و فهم مخاطب از اثر هنری را برمیآشوبد. لیوتار هنر را از منظر زیبایی و اخلاق بررسی نمیکند بلکه معتقد است توانایی آثار هنری در طرح پرسشهایی است که شیوه‌های رایج تفکر و ژانرهای گفتمان مسلط را به چالش بکشند. از اینروست که نقاشی مدرن و هنر آوانگارد را عرصه‌ی مناسبی برای گواهی دادن بر تفارقهایی میداند که ژانرهای گفتمان مستقر، آنها را پنهان میکنند.

**واژه‌های کلیدی:** لیوتار، والایی، هنر آوانگارد، مارسل دوشان، بارنت نیومن.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	فصل اول: مروری بر اندیشه های لیوتار
۷	- بخش اول: زندگی فکری لیوتار
۱۰	- بخش دوم: وضعیت پست مدرن
۱۰	پست مدرن از منظر لیوتار
۱۱	نکاتی درباره‌ی وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره‌ی دانش
۱۶	- بخش سوم: جایگاه سیاست در آثار لیوتار
۱۶	قرائت سیاسی از روایت مشروعیت
۱۷	عدالت در قلمرو اخلاق و سیاست
۱۹	تفارق
۲۰	عبارت‌ها و ژانرهای گفتمان
۲۳	- بخش چهارم: جایگاه هنر در آثار لیوتار

فصل دوم: زیباییشناسی و مفاهیم مرتبط با هنر در اندیشه‌های لیوتار

- ۲۷ - بخش اول: تحلیل لیوتار از امر والای کانت
- ۲۷ زیبایی و والایی در نقد قوه حکم کانت
- ۳۰ لیوتار و نقد قوه حکم کانت
- ۳۲ لیوتار و تحلیل امروالای کانت
- ۳۳ مدرن، پست مدرن و امروالا
- ۳۶ - بخش دوم: هنر، نانسانی و رخداد
- ۳۶ هنر و نمایش امر نانسانی
- ۳۹ رخداد در هنر

فصل سوم: هنرمندان و هنرهای تجسمی در اندیشه‌های لیوتار

- ۴۲ - بخش اول: هنرهای تجسمی از منظر لیوتار
- ۴۳ عکاسی در ارتباط با هنر کلاسیک
- ۴۴ نقاشان آوانگارد و آغاز زیباییشناسی امر والا
- ۵۰ - بخش دوم: مارسل دوشان
- ۵۱ مارسل دوشان: دگرگون کننده بزرگ
- ۵۳ تفسیر لیوتار درباره‌ی شیشه بزرگ
- ۵۵ مارسل دوشان و امر نانسانی

۵۸	- بخش سوم: بارنت نیومن
۵۹	ارتباط نقاشیهای بارنت نیومن با رخداد
۶۱	مواجهه با امر والا در نقاشیهای نیومن
۶۵	نتیجهگیری
۷۸	فهرست منابع

## فهرست تصاویر

شمارهی تصویر	توضیح تصویر	صفحه
۱	محل ویران شده اثر پل کله	۶۹
۲	سیبها اثر پل سزان	۷۰
۳	اثر کارل آپل	۷۰
۴	مربع سیاه بر روی سفید اثر مالویچ	۷۱
۵	برهنه از پلکان پایین میآید اثر دوشان	۷۲
۶	جابطری اثر دوشان	۷۳
۷	شیشه بزرگ اثر دوشان	۷۴
۸	دستگاه شکلات خردکن اثر دوشان	۷۵
۹	اثر بارنت نیومن	۷۶
۱۰	توندرا اثر بارنت نیومن	۷۶
۱۱	تعالی حماسی اثر بارنت نیومن	۷۷



در طول تاریخ، هنر کمابیش برای فیلسوفان اهمیت داشته است؛ از زمان افلاطون تا به امروز بین فلسفه و هنر چه در شکل نظریه‌های زیباییشناختی و چه مباحثی درباره‌ی تجزیه و تحلیل فلسفی آثار هنری و تأثیر هنرمندان بر جامعه تا حدودی سخن رفته است. اما شاید بتوان گفت تعاملی که امروزه بین فلسفه و هنر وجود دارد، در نوع خود بسیار گسترده‌تر از گذشته است.

در قرن بیستم، اشتیاق به نوآوری، شرایط خاص اجتماعی - سیاسی و پیشرفتهای تکنولوژیک باعث شد تا بیش از همهی دوره‌های دیگر در تاریخ هنر شاهد تحولات سبکهای هنری باشیم. این دگرگونیها تا آنجا پیش رفت که برای نخستین بار نفس خلاقیت و نوآوری موضوع هنر شد. حتی در حوزه‌ی هنرهای تجسمی شاهد بودیم که برخی از آوانگاردها بوم نقاشی را نیز کنار گذاشتند؛ بدن خود را بستر عرضی اثر هنری (هنر بدن)<sup>۱</sup> قرار دادند و یا اشیای حاضرآمادهای<sup>۲</sup> را به عنوان مجسمه ارائه کردند و در هنرهای مفهومی زبان جای فرم و رنگ نشست. بنابراین هنرمندان مدرن ادراکات زیباییشناختی را دگرگون کردند که تاثیرات تکانه‌دهنده و ایجاد شوک در ذهن بیننده یکی از نتایج این دگرگونی بود. در این قرن پرتلاطم، همانطور که ذکر شد، بیشتر آثار هنری به منظور اقلان فلسفی و دغدغههای اجتماعی، سیاسی خلق شدند و یا نوعی طغیان و شورش علیه کل جریانهای هنری قبل از خود بوده اند، اگر صنعت فرهنگ چیره بر تولید بخش عظیم دیگری از آثار هنری را مد نظر قرار دهیم، دیگر با استفاده از نظریه های زیبا شناسی کانت ، هیوم و حتی کلایو بل که بر زیبایی، ذوق خوب و فرم معنا دار اتکا دارند نمی توان از این هنر دفاع کرد بلکه باید در جستجوی نظریه‌های فلسفی دیگری برای تبیین هنر آوانگارد بود.

در نتیجه این تحولات، بسیاری از فیلسوفان قرن بیستم، حتی نظریات فلسفی خود را با توجه به مثال - هایی از هنر آوانگارد عرضه کرده‌اند. ژان فرانسوا لیوتار<sup>۳</sup> از جمله اندیشمندانی است که بخش قابل توجهی از آثار او را نوشته‌های وی درباره‌ی هنر مدرن و پست مدرن تشکیل می‌دهند. لیوتار بخاطر تحلیل‌های تأثیرگذارش درباره‌ی پست‌مدرنیسم شهرت دارد اما حتی در مهمترین کتاب خود، "وضعیت پست مدرن"

<sup>1</sup> Body art

<sup>2</sup> Ready-made

<sup>3</sup> Jean-Francoia Lyotard

به هنر پرداخته است و هنرمند را در مقام یک فیلسوف بالا برده است. لیوتار که از مدافعان هنر آوانگارد است، با تجزیه و تحلیل آثار هنری قرن بیستم، تفسیرهای راهگشایی در اینباره ارائه داده است.

اهمیت بررسی اندیشه‌های فیلسوفان معاصر درباره‌ی هنر از چند جنبه قابل توجه است: یکم اینکه آشنایی و خوانش بیطرفانه‌ی این افکار شاید باعث جلوگیری از شکلگیری تفسیرها و تحلیلهای غیر پژوهشی و سلیقه‌ای شود، دوم اینکه از خلال تحلیل اندیشه‌های فیلسوفانی چون لیوتار که موضوع این تحقیق است، میتوان از پیوند نزدیک میان فلسفه و نقاشی، نظر و عمل به شکل دقیقتری پرده برداشت که در حال حاضر در ایران این موضوع بسیار اهمیت دارد چرا که متفکران ما کمتر به مطالعه آثار هنری معاصر می‌پردازند و از سویی هنرمندان نیز بدون پشتوانه‌ی فکری قوی کار میکنند.

موارد ذکر شده، مجموعه دلایلی است که مرا مجاب کرد تا بررسی اندیشه‌های یکی از تأثیرگذارترین مفسران هنر آوانگارد را به عنوان موضوع پژوهش خود برگزینم. به علاوه نظریه‌ی لیوتار درباره‌ی پست مدرن و تحلیلهای او درباره‌ی نقاشی مدرن و امر والا از حوزه‌هایی است که پس از گذشت چندین سال از چاپ آنها هنوز هم مورد بحث، تفسیر و تحلیل قرار دارد. این موضوع حاکی از آن است که اندیشه‌های او در عصر حاضر نیز ارجاعات موردی خود را داشته و او همچنان یکی از کسانی است که فهم و بررسی آثارش در حوزه‌ی فلسفه‌ی هنر ضروری است.

تحلیلهای لیوتار درباره‌ی نقاشیهای پل سزان<sup>۱</sup>، بارنت نیومن<sup>۲</sup>، سم فرانسیس<sup>۳</sup>، کارل آپل<sup>۴</sup> و ژاک مونوری<sup>۵</sup> و همچنین حاضرآماده‌های مارسل دوشان<sup>۶</sup> در درک هنر مدرن و دغدغه‌های فلسفی هنرمندان آوانگارد بسیار راهگشاست و میتواند به فهم بهتر ما از هنر آوانگارد بیانجامد. اینکه چرا نقاشان مدرن از رئالیسم به سمت هنر انتزاعی رفتند؟ آیا ماهیت هنر در قرن بیستم مخالف با رئالیسم است؟ چرا با اتکا به زیباییشناسی کلاسیک نمیتوان نقاشیهای آوانگارد و آثار هنری مدرن را تفسیر و تحلیل کرد؟ اینها برخی از پرسشهایی است که با خوانش نوشته‌های لیوتار میتوان برای آنها پاسخی یافت. یکی دیگر از

---

<sup>1</sup> Paul Cezanne

<sup>2</sup> Barnett Newman

<sup>3</sup> Sam Francis

<sup>4</sup> Karel Appel

<sup>5</sup> Jacques Monory

<sup>6</sup> Marcel Duchamp

اهداف این پژوهش این است که از خلال خوانش اندیشه‌های لیوتار، ویژگی‌های انتقادی غیرقابل انکار هنر مدرن را تبیین و بررسی کنم.

تحلیل لیوتار از هنر چه نسبتی با اندیشه‌های کلیدی او دارد؟ دلیل علاقه‌مندی و توجه لیوتار به هنر آوانگارد چیست؟ مدرن و پست مدرن در هنر از منظر لیوتار چگونه تبیین میشود؟ تحلیل لیوتار از امر والای کانت چیست و چه نقشی در هنر آوانگارد دارد؟ چرا آثار دوشان بزعم لیوتار دگرگون/کننده است؟ لیوتار نقاشی‌های بارنت نیومن را چگونه تحلیل میکند؟ اینها پرسشهایی است که نگارنده تلاش دارد تا در این پژوهش پاسخی برای آنها بیابد که البته پیشفرضهایی را دل خود پنهان دارند.

بدیهی است که شیوهی گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و فیشبرداری خواهد بود. یکی از سختی‌های پژوهش حاضر اینست که آثار عمده‌ی لیوتار درباره‌ی هنر به فارسی ترجمه نشده‌اند و نگارنده علاوه بر گردآوری اطلاعات ناگزیر از ترجمه‌ی آنها نیز بودهام. لیوتار را در ایران با کتاب "وضعیت پست مدرن، گزارشی درباره‌ی دانش" میشناسند، درحالیکه تمام آثار او به زبان انگلیسی و چندین زبان دیگر ترجمه و چاپ شده است. تفسیرها و تحلیلهای زیادی درباره‌ی آثار او به رشته‌ی تحریر درآمده است که برخی مخالف و برخی موافق با آرای او بوده‌اند. از مهمترین مخالفان او میتوان هابرماس را نام برد که لیوتار نیز در کتاب یادشده نظریات او را درباره‌ی مدرنیسم به شدت نقد کرده است. تری ایگلتون نیز در کتاب "ایدئولوژی زیباییشناسی" (۱۹۹۰) به نوشته‌های لیوتار در این حوزه ارجاع داده است هرچند رویکرد او به لیوتار تا حدی منفی است. ایزابل آرمسترانگ نیز در کتاب "زیبایشناسی رادیکال" (۲۰۰۰) نظریات لیوتار را مورد بررسی قرار داده است. نگاه او در توصیفات پست مدرن از زیباییشناسی در مقایسه با ایگلتون مثبتتر است. بزعم سایمون مالپاس، هم در کتاب ایگلتون و هم در کتاب آرمسترانگ تفاسیر گوناگون از زیباییشناسی، شباهتهایی با ایده‌های لیوتار دارد.

از آنجا که موضوع این پژوهش درباره‌ی اندیشه‌های لیوتار در حوزه‌ی هنرهای تجسمی است، مقالات و نوشته‌های پراکنده‌ی وی درباره‌ی هنر منبع اصلی این پژوهش خواهد بود. اما برای درک اندیشه‌های هر فیلسوفی در حوزه‌های تخصصیتر، لازم است تا حدی با اندیشه‌های کلیدی او آشنا بود. درمورد لیوتار نیز این مسئله بسیار اهمیت دارد. علاوه بر اینها او جزء آندسته از متفکرانی است که چه درباره‌ی هنر، ادبیات

یا هر حوزه‌ی دیگری که صحبت میکند، کارکرد اجتماعی و سیاسی آن برایش بسیار مهم است. بنابراین در طرح کلی این تحقیق، این مسئله مورد توجه قرار خواهد گرفت.

با توجه به موضوع و مطالعات صورت گرفته، پژوهش در پیش‌رو از چهار فصل تشکیل میشود که هر یک از فصلها، شامل بخشهای مختلف در ارتباط با موضوع کلی آن فصل و هر یک از بخشها نیز شامل چند گفتار است به شرح ذیل:

**فصل اول: آشنایی با اندیشه‌های لیوتار.** در این فصل با توجه به ضرورت آشنایی با اندیشه‌های اساسی لیوتار، به تبیین زندگی فکری و اندیشه‌های وی در حوزه‌هایی که برای درک بهتر اندیشه‌های او درباره‌ی هنرهای تجسمی لازم است خواهیم پرداخت. این فصل شامل چهار بخش است. بخش اول مروری است بر زندگی فکری لیوتار. بخش دوم به تبیین مهمترین و مشهورترین جنبه‌ها از اندیشه‌های لیوتار که درباره‌ی پست مدرن است، خواهد پرداخت. در بخش سوم جایگاه سیاست در آثار لیوتار بررسی میشود چراکه در حوزه‌ی اندیشه‌های او درباره‌ی هنر بسیار تأثیرگذار است و دانستن آرای او درباره‌ی سیاست به فهم بهتری از آرای وی در حوزه‌ی هنر کمک خواهد کرد. بخش چهارم به تبیین جایگاه هنر در آثار لیوتار اختصاص خواهد یافت تا زمینه‌های باشد برای درک مفاهیمی که لیوتار در این حوزه مطرح میکند، در این بخش چرایی اهمیت هنر در نوشته‌های لیوتار مورد بررسی قرار میگیرد.

**فصل دوم: زیباییشناسی و مفاهیم مرتبط با هنر در اندیشه‌های لیوتار.** در این فصل اندیشه‌های لیوتار درباره‌ی والایی، زیباییشناسی و هنر تبیین میشود. در بخش اول تحلیل لیوتار از امر والای کانت خواهد آمد. در این بخش این مسئله که چرا لیوتار به تحلیل امر والا میپردازد، و تحلیل او چه ارتباطی با نظریات او درباره‌ی هنر آوانگارد دارد، بررسی خواهد شد. در بخش دوم این فصل مفاهیمی چون رخداد، نانسائی و رابطه‌ی آن با هنر مورد بررسی قرار میگیرد.

**فصل سوم: هنرمندان و هنرهای تجسمی در اندیشه‌های لیوتار.** در این فصل که در واقع مهمترین بخش این پژوهش است، هنرهای تجسمی با توجه به نظریات لیوتار که در فصلهای قبل مورد بررسی قرار گرفته، تحلیل خواهد شد. در بخش اول جایگاه هنرهای تجسمی در اندیشه‌های لیوتار روشن خواهد شد تا از خلال آن در بخش دوم و سوم آثار دوشان و نیومن از منظر او بررسی شود.

نتیجه گیری. در این قسمت، نتایجی که از خلال بررسی آرای لیوتار در حوزه‌ی هنرهای تجسمی حاصل شده است، بررسی میشود و اندیشه‌های لیوتار درباره‌ی هنر که از فصلهای پیشین استنتاج شده است، معرفی خواهد شد.

## **فصل اول:**

### **مروری بر اندیشه‌های لیوتار**

## بخش اول: زندگی فکری لیوتار

ژان فرانسوا لیوتار ( ۱۹۲۵ - ۱۹۹۸)، در ورسای فرانسه متولد شد. وی که از مشهورترین اندیشمندان فرانسوی نیمه دوم قرن بیستم به شمار می‌آید، در سال ۱۹۶۸ استاد فلسفه‌ی دانشگاه پاریس شد و در سال ۱۹۸۵ به ریاست کالج بینالمللی فلسفه برگزیده شد. نخستین اثر او تحت عنوان "پدیدارشناسی" را در سال ۱۹۵۴ به چاپ رسید. این کتاب در ایران با عنوان "پدیده‌شناسی" ترجمه و منتشر شده است. وی در این کتاب به تبیین نظریات خود درباره‌ی پدیدارشناسی تحت تأثیر هوسرل که استاد او بود، پرداخته است. در همین سال بود که به عضویت گروه انقلابی "سوسیالیسم یا توحش" درآمد که میکوشیدند تفسیر جدیدی از مارکسیسم ارائه دهند و آرای کارل مارکس را در عمل به کار گیرند. اما در سال ۱۹۶۶ به دلیل سرخوردگی از مارکسیسم، گروه "سوسیالیسم یا توحش" را ترک کرد تا شروع به بسط فلسفه‌ی خود کند. با این حال از شورشهای می ۱۹۶۸ که پیشگام آن دانشجویان بودند، حمایت کرد. در همین سالها بود که وی یکی از پیچیده‌ترین و رادیکالترین کتابهای خود را بزعم مفسران به چاپ رساند؛ کتاب *اقتصاد لیبیدویی*<sup>۱</sup> «که بعدها با عنوان کتاب اهریمنی من از آن یاد میکند. مطالعه‌ی این کتاب هم لذتبخش است و هم اغلب معذبکننده، با توصیفی مشروح از شیوهای که تن انسان میتواند باز شود و کش بیاید تا یک پوست بزرگ موقتی را شکل دهد شروع میشود و با نقدی بر سرمایه‌داری و مارکسیسم به عنوان اشکال انحراف پایان مییابد.»<sup>۲</sup> این کتاب تا حد زیادی زمینه را برای آثار بعدی لیوتار درباره‌ی پست مدرن هموار میکند. کانت، مارکس، هوسرل و ویتگنشتاین برخی از فیلسوفانی هستند که لیوتار در بسط اندیشه‌های خود از آنها تأثیر گرفته است.

در سال ۱۹۷۱، لیوتار کتاب "گفتمان/ تصویر" را منتشر کرد که حوزه‌های مختلفی را در بر میگیرد: تاریخ هنر، شعر، فلسفه‌ی زبان، زبانشناسی ساختاری که تمامی این حوزه‌ها براساس چهارچوب تحلیلی ابداعی وی یعنی بر مبنای تمایز و تقسیم‌بندی دوگانه‌ی بین دو مقوله‌ی امر گفتمانی و امر تصویری مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. از آنجا که امر تصویری<sup>۳</sup> در برابر قاعده‌ی دلالت<sup>۱</sup> قرار میگیرد، لذا گفتن

<sup>۱</sup> Libidinal Economy

<sup>۲</sup> مالپاس؛ ساپمون، ژان فرانسوا لیوتار، ترجمه بهرنگ پورحسینی، مرکز، تهران، ۱۳۸۹، ص ۲۰.

<sup>۳</sup> The Figural

اینکه معنی این واژه چیست، بسیار پیچیده و دشوار است. «در دیدگاه لیوتار گفتمان در واقع نامی است که وی به فرایند بازنمایی از طریق مفاهیم داده است. گفتمان موضوعات دانش یا متعلقات شناخت را به صورت نظام مفاهیم ساماندهی میکند. معانی بر حسب موضع یا جایگاه خود در شبکه گفتمانی تعیین و تعریف میشوند، یعنی با توجه به مخالفت و مغایرتشان با تمامی دیگر مفاهیم یا عناصر موجود در نظام مذکور. از اینرو گفتمان نوعی آرایش مکانی (spatial arrangement) را بر اشیاء یا موضوعات تحمیل میکند که لیوتار آنرا «متنی» یا بافتمند (Textual) مینامد؛ رشته ای در هم بافته از تقابلهای و تخالفها - ها.<sup>۲</sup> مفهوم دیگری که در نظریهی گفتمان/تصویر لیوتار مطرح میشود، امرتصویری است. «امر تصویری (تشبیهی، مجازی، تمثیلی) عبارت است از مسیر سازشناپذیر یا مقاوم یک مکان یا زمان که اساسا با مسیر یا نشانهی معنای گفتمانی ناسازگار است. این مقوله در اکثر آثار نوشتههای لیوتار به مثابه امر مرئی یا محسوس (تصویر/زمینه)، بلاغی (تصویر/لفظی)، اثر، حادثه، ناهمزمانی یا نابه هنگامی پستمدرن، تأثیر امر والا یا شیء، مطرح شده است.»<sup>۳</sup> لیوتار در مقابل قاعدهی گفتمان در فضای تصویری و متنی، بر امر تصویری یا قاعدهی تصویری تأکید میورزد. بزعم او امر تصویری گفتمان را به سمت نوعی عدم تجانس شدید و نوعی تفاوت میراند که نمیتوان آنها را در چهارچوب قاعدهی بازنمایی ساخت یا عقلانی کرد.

پس از «گفتمان/تصویر»، لیوتار مهمترین کتابهای خود دربارهی نظریهی کلیدی اش — پست مدرن — را در اواخر دهه ۷۰، به چاپ رساند. «وضعیت پستمدرن» (۱۹۷۹)، «بازی عادلانه» (۱۹۷۹)، «تفارق» (۱۹۸۳) و نیز مجموعههای از مقالات مهم دربارهی هنر، فرهنگ، سیاست و تاریخ را در همین دوران نوشت. این آثار نخستین متنها درباره اندیشهی پست مدرن لیوتار هستند. با انتشار این کتابها و ترجمهی آنها به زبانهای دیگر لیوتار به چهرهای شناخته شده در سطح بینالمللی تبدیل شد. از همهی این آثار مشهورتر، کتاب وضعیت «پست مدرن: گزارشی دربارهی دانش» است که در ایران نیز ترجمه و چاپ شده است. شاید مشهورترین نظریه وی که در این کتاب به تبیین آن پرداخته است، مخالفت وی در برابر روایتهای کلان فلسفه، سیاست و زیباییشناسی غرب است. این مباحث کلیدی در بخشهای بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

<sup>1</sup> signification

<sup>1</sup> لیوتار؛ ژان فرانسوا، وضعیت پست مدرن، ترجمه حسینعلی نوزری، گام نو، تهران، چاپ دوم، ص 11.  
<sup>2</sup> همان، ص 12.



نوشتتهای بعدی لیوتار در واقع این آثار را شرح و بسط میدهند. از تاثیرگذارترین نوشتههای او در اواخر دههی ۸۰، میتوان به کتاب "نالنسانی: تاملاتی درباره زمانه" اشاره کرد که مجموعه مقالاتی درباره هنر تکنولوژی و جامعه است. "توضیح امر پست مدرن" (۱۹۸۸) و "افسانههای پست مدرن" (۱۹۹۳)، درحالیکه شرح و بسط آثار پیشین هستند، مواجهه لیوتار را با مشکلات و مسائل روز جامعه نیز نشان می-دهند.

لیوتار در آخرین کتابهای خود، نویسندگان و متون مشخصی را مد نظر قرار میدهد. او بازخوانیهای از نویسندگان مهم مدرن ارائه میدهد. کتابهای با "امضای مالرو" (۱۹۹۸)، و "اتاق ضد صوت: ضد زیبایی-شناسی مالرو" (۱۹۹۸) در این راستا هستند. آخرین کتاب او نیز دربارهی فیلسوف مسیحی قرون وسطا، با عنوان "اعتراف اگوستین"، ناتمام ماند. اینگونه آثار لیوتار نمونههای پیچیده‌ای از نقادی پست مدرن در عمل هستند.

لیوتار در آثار خود همواره نظامهای فکری و سیاسی پذیرفته شده را به پرسش میکشد. از دید لیوتار اندیشه و عمل باید با تأمل بر ارزش و کارکردشان، پیوسته خود را تازه کنند. از دید لیوتار هدف اندیشه گشودن امکانهای جدیدی است که توانایی تبدیل جهان به جهانی بهتر را دارند.

اندیشههای وی دربارهی هنر در کلیهی آثار او به طور پراکنده وجود دارد. البته یادداشتهای مستقلی نیز دربارهی هنر آوانگارد و هنرمندان نوشته است. به عنوان مثال کانون اصلی مقالههای کتاب "نالنسانی" را هنر تشکیل میدهد. او همچنین کتابی مستقل با عنوان تحلیل امر والا متشکل از مقالههای دربارهی امروالای کانت، رابطه امروالا و اخلاق، شباهتها و تفاوتهای والایی و زیبایی به تحریر درآورده است. لیوتار در همهی آثار خود دربارهی هنر، هنر را با توجه به طیفی از مسائل اجتماعی، سیاسی و فلسفی بررسی میکند. تأکید لیوتار بر تأثیرات ویرانگر سرمایه‌داری جهانی اندیشههای او را کاملاً به جهان امروز ربط میدهد. از همین روست که کتابهای بسیاری دربارهی اندیشههای او و در تفسیر و نقد رویکرد لیوتار به سیاست، هنر و فلسفه به چاپ رسیده‌اند. در ادامه‌ی این پژوهش اندیشههای کلیدی لیوتار در حوزه فلسفه، سیاست و هنر به طور کلی مورد بررسی قرار میگیرد تا زمینه برای درک بهتر نظریات او دربارهی هنرهای تجسمی آماده شود.

## بخش دوم: وضعیت پست مدرن

میتوان گفت یکی از دلایل اصلی شهرت لیوتار بخاطر کتاب "وضعیت پست مدرن" است. این کتاب یکی از مهمترین آثار در عرصه‌ی تفکر پست مدرن محسوب میشود که با عنوان کامل "وضعیت پست مدرن؛ گزارشی درباره دانش" در سال ۱۹۷۹ منتشر و به یکی از پرخوانندهترین و بحثبرانگیزترین آثار او تبدیل شد. در اینجا پیش از بررسی اندیشه‌های لیوتار در وضعیت پست مدرن، لازم است به نکاتی درباره‌ی منشاء واژه‌ی پست مدرن اشاره شود: به طور کلی «پست مدرنیسم اصطلاحی است برای توصیف گرایش‌های پس از دهه ۱۹۶۰ در عرصه‌های معماری، هنر، ادبیات و فلسفه. مفهوم پست مدرن ابتدا در مباحث ادبی امریکا طرح شد. بعدتر چارلز جنکس آنرا در مورد معماری به خصوص برای توصیف آثار رابرت ونتوری بکار برد.»<sup>۱</sup> این واژه نخستین بار توسط "فدریکو دوآنیس"<sup>۲</sup> در سال ۱۹۳۴ در توصیف واکنشی شاعرانه علیه شعر مدرنیستی بهکار گرفته شد. با اینکه در تفاسیر متفاوت از این واژه به ندرت ویژگی‌های مشترک یافت میشود، میتوان گفت: «اشکال مختلف فرهنگی پسامدرن مشخصه‌های معینی چون بازتابندگی، آبرونی<sup>۳</sup> و آمیزهای از هنر رسمی و هنر عامه‌پسند را به نمایش میگذارند.»<sup>۴</sup>

### پست مدرن از منظر لیوتار

میتوان گفت که تعبیر لیوتار از پست مدرن دارای خاستگاه تاریخی، فرهنگی است اما او از تفکیک این دو به عنوان دو دوره تاریخی خودداری کرده است و آنها را واکنش‌هایی متفاوت به جهان و تاریخ میدانند. وی در ضمیمه‌ی کتاب "وضعیت پست مدرن" با عنوان "پاسخ به پرسش پست مدرن چیست؟" نوشته است: «بی تردید پست مدرن بخشی از مدرن است. هر اثر تنها زمانی میتواند مدرن بشود که ابتدا پست مدرن باشد.»<sup>۵</sup> و در جایی دیگر از وی نقل شده است که: «نه مدرنیته و نه به اصطلاح پستمدرنیته را نمیتوان به‌عنوان پدیده‌های تاریخی دقیقا مرزبندی شده مشخص و تعریف کرد به‌گونه‌ای که بگوییم

<sup>۱</sup> پاکباز؛ رویین، دایره‌المعارف هنر، فرهنگ معاصر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷.

<sup>۲</sup> Federiko de Onis

<sup>۳</sup> طنز؛ مطایبه

<sup>۴</sup> مکاریک؛ ایرنا ریما، دانشنامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهاجر؛ مهران و نبوی؛ محمد، آگه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ص ۸۲.

<sup>۵</sup> لیوتار؛ ژان فرنسوا، وضعیت پست مدرن، ترجمه نودری؛ حسینعلی، گام نو، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۱۹۵.

پستمدرنیتته همیشه پس از مدرنیتته می‌آید. به عکس باید بگوییم امر پسامدرن همیشه در امر مدرن مندرج است.<sup>۱</sup>

- در ادامه، مطالب عنوان شده و نکات اساسی اندیشه‌های لیوتار در کتاب وضعیت پست مدرن بررسی می‌شود چرا که شناخت بهتر اندیشه‌های او در این کتاب میتواند در بررسی آرای او در حوزه هنرهای تجسمی کمک شایانی بکند.

### نکاتی در باب وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره‌ی دانش

در مقدمه کتاب "وضعیت پست مدرن"، لیوتار بحث اصلی خود در اینباره را تبیین میکند؛ وی پست مدرن را به منزله‌ی بی‌اعتقادی به فراروایتها توصیف کرده و خاطر نشان می‌سازد که این بی‌اعتقادی یا بی‌ایمانی بدون تردید، محصول پیشرفت در علوم است و اذعان میکند که واژه "پست مدرن" را برای توصیف وضعیت دانش در توسعه‌یافته‌ترین جوامع انتخاب کرده است. از سوی دیگر از واژه "مدرن" نیز برای مشخص ساختن علمی استفاده میکند که کلانروایت‌های مدرنیتته را می‌سازند. روایت‌های کلانی نظیر دیالکتیک روح، هرمنوتیک معنی، رهایی سوژه‌ی عقلانی یا کارگر. به نظر لیوتار علوم مرتبط با "مدرن" مشروعیت خود را از این کلان روایت‌های مدرنیتته می‌گیرند. به اعتقاد لیوتار در سالهای اخیر علوم و تکنولوژی‌های برجسته مجبور بودند که با زبان سرو کار داشته باشند که ناگزیر ماهیت دانش را تغییر داده است. لیوتار اذعان میکند: «دانش به منظور فروش تولید میشود و خواهد شد. دانش دیگر فی‌نفسه هدف نیست، "ارزش مصرفی" خود را از دست میدهد.»<sup>۲</sup> این مسئله به زعم او در سطح وسیعی پذیرفته شده است که دانش به صورت نیروی اصلی تولید درآمد است به این معنا که دانش خود، به نیروی تولیدکننده تبدیل شده است.

- لیوتار مسئله‌ی اصلی دانش را مشروعیت میداند و عنوان میکند که: «پیوند دقیقی بین نوع زبان موسوم به علم و نوع زبان موسوم به اخلاقیات و سیاست وجود دارد.»<sup>۳</sup> از زمان افلاطون مسئله‌ی مشروعیت علم پیوندی جدایی‌ناپذیر با مسئله‌ی مشروعیت قانونگذار داشته است. لیوتار صراحتاً به این نکته اشاره می‌کند که این حکومتها هستند که تصمیم می‌گیرند چه دانشی باشد و چه دانشی نباشد:

<sup>۱</sup> مالپاس؛ سایمون، ژان فرانسوا لیوتار، ص 156.

<sup>۲</sup> لیوتار؛ ژان فرانسوا، ترجمه حسینعلی نودری، گام نو، تهران، 1381، ص 63.

<sup>۳</sup> همان، ص 69.

« هنگامی که به بررسی جایگاه فعلی دانش علمی میپردازیم — در دورانی که به نظر میرسد علم بیشتر از هر وقت دیگر بطور کامل تابع قدرتهای غالب شده است و همراه با تکنولوژیهای جدید، در معرض خطر تبدیل شدن به شرط عمده در جریان تضادهای آنان قرار دارد — مسئله مشروعیت دوگانه یا مضاعف، البته بدون آنکه وجهه و ارتباط خود را از دست دهد، اهمیت چشمگیری پیدا میکند. زیرا در کاملترین شکل خود، یعنی شکل رجعت، این نکته را آشکار میسازد که دانش و قدرت صرفاً دو وجه یک مسئله هستند: چه کسی تصمیم میگیرد که دانش چیست؟ اکنون در عصر کامپیوتر، مسئله دانش بیش از همیشه مسئلههای مربوط به حکومت (دولت) است.»<sup>۱</sup>

مشخص است که منظور لیوتار در این کتاب فراهم آوردن آمار و ارقام درباره تحولات دانش در کشورهای توسعه یافته نیست بلکه مسئلهی مورد توجه او ماهیت و جایگاه دانش است؛ اینکه در جوامع معاصر دانش چگونه به وجود میآید، چگونه سازماندهی شده و از تولید آن حمایت میشود و چگونه بر زندگی و تجربیات مردمان این عصر تاثیر میگذارد. مسئله چگونگی شکلگیری هویت مردم توسط ساختارهای دانشی است که ممکن است کشورها واقعا بر سر آن با هم وارد جنگ شوند. «در این اقتصاد دانش محور جدید، دولتها به عنوان مهمترین بدنهها در حال از دست دادن پایههای قدرتشان در جهاناند. شرکت های چند ملیتیای همچون شرکتهای رایانهای، کمپانیهای نفتی، و صنایع دارویی به عنوان بازیگران کلیدی جایگزین دولتها میشوند چون دانش خود به یک کالا بدل شده است.»<sup>۲</sup> سایمون مالپاس مثال بسیار خوبی دربارهی تضعیف قدرت دولتها و وجه کالایی دانش در کتاب خود دربارهی لیوتار آورده است: گروهی از شرکتهای دارویی، دولت افریقای جنوبی را به دادگاه کشاندند چون مدعی بودند که این دولت به حق امتیازی که آنها در زمینه داروهای ضد ایدز کسب کرده بودند، توجه نمیکند. هزینهی تولید خود داروها بسیار پایین بود به طوریکه افریقای جنوبی میتواند با هزینهی بسیار اندکی آنها را در داخل کشور تولید کند اما مسئله اینجا خود دانش بود که برای شرکتهای چند ملیتی کالا به حساب میآید. این مثال بر این مسئله صحنه میگذارد که علم و دانش از سیاست و اخلاق جدا نیستند، بلکه کاملاً سیاسیاند.

<sup>۱</sup> همان ماخذ، ص 70.

<sup>۲</sup> مالپاس؛ سایمون، ژان فرانسوا لیوتار، ترجمه پورحسینی؛ بهرنگ، مرکز، تهران، 1389، ص 35.